فهرست

[نمای کلی بحث 2](#_Toc90623191)

[روشهای تربیت جنسی 2](#_Toc90623192)

[روش اول؛ مراقبت از دیده شدن 2](#_Toc90623193)

[روش دوم؛ روش تفریق مضاجع 3](#_Toc90623194)

[مکلف در قضیه تفکیک مضاجع 4](#_Toc90623195)

[تکلیف کودک 5](#_Toc90623196)

[آموزش جنسی 6](#_Toc90623197)

[نتایج فقهی 6](#_Toc90623198)

[فروعات مسئله 7](#_Toc90623199)

[دخالت جنسیت در این احکام 9](#_Toc90623200)

[پاسخ به سؤالات 9](#_Toc90623201)

**بسم الله الرحمن الرحیم**

**الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد و آله الطاهرین**

در سلسله بحثهای مدرسه پاییزه فقه تربیتی که عزیزان خدمت اساتید محترم بودند یک بحث هم، بحث تربیت جنسی فرزندان هست که بنده در خدمت شما هستم و این بحث بیشتر از کتاب فقه تربیتی جلد ۲۶ استاد اعرافی هست که تحقیق و نگارش این جلد را بنده به عهده داشتم به همین خاطر گفتند در محضر عزیزان باشم

# نمای کلی بحث

در فقه تربیتی تربیت جنسی بحثهایی را که ارائه می‌دهیم.

نمای کلی بحث را می‌خواهیم داشته باشیم که نتایج فقهی روشهای تربیت جنسی که هفت کتاب تربیت جنسی فقه تربیتی هست نتایج کلی را می‌گوییم.

بعد ادله عمومی باز نتایج فقهی را بدون بررسی ادله و ورود فقهی به مسئله را می‌گوییم پیش بینی می‌کنیم که انشاءالله در دو جلسه اول این بحث به پایان برسد.

بعد وارد می‌شویم به یکی از روشهای تربیت جنسی که در جلسات بعدی به صورت مفصل بررسی می‌کنیم

بعد قواعد عام فقهی که در تربیت جنسی جریان دارد را به صورت نتایج خدمتتان عرض می‌کنیم که ورود و خروج فقهی به بحث را به طور مثال در یکی از روضهای ترییت جنسی عزیزان داشته باشند.

# روش­های تربیت جنسی

یک بخش کلیات است که تربیت جنسی و رابطه آن با آموزش جنسی چیست و پیشینه چیست را وارد نمی‌شویم. یک وظیفه مندی اولیاء در تربیت جنسی هست که اینها هم قواعد عام فقه تربیتی که در تربیت جنسی وجود دارد را ما هم آن‌ها را بحث کردیم و هم اصل وظیفه مندی اولیاء علاوه بر روشهایی که خواهیم گفت اینجا اثبات می‌شود.

روشهای تربیت جنسی، ده روش هست ما به صورت خاص نتایج اینها را خواهیم گفت یعنی نتایج فقهی را خدمت شما عرض می‌کنیم.

تذکر می‌دهیم که اینها فقط نتایج فقهی است بعدا وارد بررسی ادله خاص و فقهی تربیت جنسی می‌شویم.

## روش اول؛ مراقبت از دیده شدن

اولین روشی که در تربیت جنسی جریان دارد مراقبت از دیده شدن از مجامعت توسط کودکان است اولیا یا هر کسی که در ارتباط با کودکی هست یا حتی بزرگتر باید مراقبت داشته باشد که هنگام مجامعت و هنگام نزدیکی کودکان این را احساس نکنند و نبینند.

در این زمینه ۵ روایت وارد شده است که روایت را وارد نمی‌شویم ولی چون روایات هیچ کدام سند موثقی ندارند از حیث فقهی نمی‌توان به تک تک گزاره‌ها تمسک کرد بلکه گزاره‌هایی که قدر متیقن و مشترک ادله است می‌شود تمسک کرد.

قدر متیقن و قدر مشترک ادله اینجا اورده‌ایم مجامعت نزد کودک بیدار، قید بیدار هست اگر کودک خواب است اشکالی ندارد کودک بیدار که توانایی توصیف حال دارد حتی شاید به سن تمییز هم نرسیده است. اینجا تمییز کل شیءٍ بحسبه که هست تمییز امکان دارد مقداری پایین‌تر از تمییزی که فق‌ها به آن اشاره می‌کنند باشد این در مورد افراد و کودکان و قومیت‌های متفاوت می‌تواند فرق داشته باشد وقتی توانایی توصیف حال دارد هر چند خیلی نمی‌فهمد چیست ولی توانایی توصیف حال دارد در نزد چنین کودکی که بیدار است مجامعت اولیا این جا حرام است بعضی می‌گویند یک اتاقی باشد که کودک باشد و مجامعت نباشد این نتایج فقهی این را نمی‌رساند اگر نزد کودک بیدار هم باشد –این قید را با استاد اعرافی بررسی کردیم – حتی بیدار باشد و طوری مجامعت کنند که بچه متوجه نشود حال بچه به سمت آن‌ها نگاه نمی‌کند یا متوجه نمی‌شود به هر صورتی که هست حرام نیست، قید حرمت در آنجا نیست.

قدر متیقن در جایی است که کودک بیدار است و علاوه بر بیدار بودن توانایی توصیف حال دارد متوجه هست ولی غیر از این موارد حتی نمی‌شود به کراهت هم قائل شد چون قدر مشترک ادله همین است و بیشتر از این را از ادله نمی‌شود قائل شد.

قید دیگر شنیدن و درک کودک و همچنین توجه او، در حکم دخیل است همه اینها باید باشد تا حرمت حکم را اثبات کنیم.

جنسیت این کودک دخیل نیست در حضور دختر یا پسر بچه این حرمت هست حرمت هم برای مرد و هم برای زن هست اگر این کار را انجام بدهند مرتکب حرام می‌شوند

نکته‌ای که باز تاکید می‌کنیم حضور نداشتن کودک در کل خانه و حتی در اتاق خلوت ملاک نیست. نتایج بررسی فقهی اینجا ظاهر می‌شود که ما اگر فقط روایات را نگاه کنیم و بدون بررسی سند و بدون بررسی فقهی که گفتیم قدر مشترک را باید اخذ کنیم چون سند ضعیف است بعضی شاید بگوید در کل خانه یا کل اتاق می‌گوید در اتاقی که کودکی هست شما مجامعت نداشته باشید، نه حتی کودک در اتاق خلوت اولیاء باشد با آن قید‌هایی که گفتیم حرام است و الا غیر از آن حتی کراهت هم ندارد.

بعضی از این روایت‌ها استفاده می‌کنند که اتاق بچه را جدا کنیم. حالا اتاق بچه را جدا کنیم یا نه بررسی دیگری می‌خواهد که نکات تربیتی آن را باید بررسی کنیم. ولی از این ادله استفاده می‌کنند از این ادله قابل استفاده نیست.

یعنی از این ادله نمی‌توانیم استفاده کنیم که اتاق کودک و اتاق والدین جدا باشد

پس در اتاق خلوت طوری مجامعت بشود که بچه متوجه نشود حرام نیست ملاک فهمیدن کودک است.

## روش دوم؛ روش تفریق مضاجع

جداسازی بستر کودکان ده سال به بالا هست که این روش را روش تفریق مضاجع می‌گویند تفریق مضاجع یعنی جدا کردن بستر کودکان.

اجمالا بدانید شش روایت در این زمینه وجود دارد و روایت صحیحه هم وجود دارد صحیحه عبدالله بن میمون که دلالت می‌کند که بستر کودکان را از هم جدا کنیم و یک جا نخوابند و شکل جداسازی را بررسی مفصل خواهیم کرد.

دو گروه روایت هست که جداسازی بستر بعد از ده سالگی هست.

گروه دوم به جداسازی بعد از شش سالگی

گروه دوم فقط یک روایت است که آن هم سندش ضعیف است و توانایی تعارض با این روایاتی که هم کثرتشان زیاد است پنج روایت است و هم در آن صحیحه عبدالله بن میمون هست توانایی تعارض با آن را ندارد.

پس اینطور نیست که بچه‌ها را از شش سالگی بسترشان را جدا کنیم، روایات ده سالگی مقدم هستند قید و قیودش این است که بچه‌ها ده سال به بالا باشند در صورتی که لخت بخوابند یا خوف فساد باشد در این صورت هست که جداسازی بسترشان واجب است در غیر این صورت استحباب دارد و وجوب ندارد.

در بعضی موارد این گونه است که خوف فساد نیست بچه ده یازده‌ساله هستند و متوجه هم نیست از سوی دیگر هم لخت نخوابیده‌اند آن موقع نهایتاً استحباب این قضیه را می‌شود استخراج کرد وجوب نیست

جنسیت کودک یا بزرگسال هم در آن دخیل نیست منت‌ها مثل اینکه مادر با دختر بچه‌اش می‌تواند با این قید و قیود بخوابد و پدر نمی‌تواند اینجور نیست جنسیت بزرگسال در این قضیه و نه جنسیت کودک در آن دخیل است.

در اینجا ده فرع است که اینها قابل بررسی هست که خصوص محل خواب ملاک است نه اتاق خواب، اتاق خواب بچه‌ها را بخواهیم جدا کنیم ملاک نیست

محل خواب بعضی می‌گویند تشک است اقوال هم در این زمینه با احتمالاتی هست بعضی می‌گویند تشک واحد یا لحاف واحد یا می‌گویند هر کدام نباشد آن قول مختار که ما داریم این است که تشک یا لحاف نیست بلکه ملاک این است که عرفاً بگویند وحدت مضجع دارند یعنی محل خوابشان یکی هست.

موردها متفاوت است گاهی با زیرانداز واحد محقق می‌شود و گاهی با روانداز است و گاهی با نزدیک خوابیدن محقق می‌شود شاید تشک و لحافی نیست. ملاک وحدت مضجع است.

### مکلف در قضیه تفکیک مضاجع

اینجا مکلف این قضیه چه کسانی هستند علاوه بر اولیاء، -بحث اولیاء خواهیم گفت که فقط شامل پدر و مادر نمی‌شود بلکه چند بحث است که پدر و مادر است یا خانواده گسترده است و یا خیلی گسترده‌تر است- خیلی گسترده‌تر را نمی‌شود مد نظر قرار داد ولی اولیاء شامل پدر و مادر و آن کسانی که ارتباط بیشتری با کودک دارند. امکان دارد اطرافیان او باشد خواهر باشد برادر باشد، خاله یا عمو، دایی، پدر بزرگ و مادر بزرگ باشد هر کدام از اینها در این فضا واقع می‌شوند این تفکیک مضاجع را انجام می‌دهند.

یا مربیانی هستند که در چنین فضایی واقع می‌شوند مثلاً بچه‌ها را اردو برده‌اند می‌بینیند دو بچه عریان زیر یک لحاف خوابیده‌اند این مربی وظیفه تفکیک مضاجع اینها را به عهده دارد.

وجوب تفکیک مضاجع در صورت لخت خوابیدن یا خوف فساد هست که گفتیم استحباب آن مطلق است هر چند خوف فساد هم نباشد یا عریان هم نباشند استحباب این جریان دارد.

گفتیم تفکیک مضاجعه کودکان با بزرگسالان جریان دارد وقتی دو کودک ده یازده‌ساله را می‌گویند تفکیک مضاجع داشته باشند به طریق اولی با بزرگسالان جریان دارد. جنسیت هیچ دخیل نیست اینجا چه کودک و چه بزرگسال دخیل نیست

همچنین محرم و نامحرم بودن در آن دخیل نیست. محرم و نامحرم بودن این کودکان، یا محرم و نا محرم بودن این کودک با بزرگسالی که وحدت مضجع دارد حکم جریان دارد، حکم وجوب تفکیک یا استحباب تفکیک مضاجع که گفتیم.

تفکیک مضاجع وقتی شامل کودک می‌شود شامل بزرگسال هم می‌شود پس از بلوغ را شامل می‌شود مخصوصاً پس از ده سالگی دختران به سن بلوغ رسیده‌اند اینها را شامل می‌شود در سنین بالاتر به طریق اولی این جریان دارد.

## تکلیف کودک

بچه قبل از بلوغ که نمی‌توان وجوب را گفت این استحباب دارد. بعد منت‌ها چرا چون ما بخواهیم به وجوب قائل بشویم به ادله رفع قلم از صبی اینها تعارض دارند آن‌ها ادله حاکم هستند و آن ادله حاکم مقدم بر ادله دیگر هستند که نمی‌شود گفت وجوب بر عهده کودک هست اما اگر بگوییم استحباب ندارد و ثواب به آن مترتب نمی‌شود این هم درست نیست که با امتنانی بودن ادله رفع قلم از صبی تعارض دارد ولی استحباب آن هست.

پس از بلوغ دیگر اینها واجب می‌شود بر عهده کودک، قبل از بلوغ استحباب جریان دارد.

کودکانی هستند که الان وحدت مضجع در رابطه با آن‌ها صدق می‌کند خوابیدن که الان مثلاً وحدت مضجع در رابطه با آن‌ها صدق می‌کند خوابیدن تمام شده است آیا اینجا وجوب تفکیک مضاجع یا استحباب تفکیک مضاجع جریان دارد بعد از تحقق همخوابگی هم این جریان دارد.

در هر صورت اسلام یک احتیاطهایی می‌کند که این در امور جنسی اصل احتیاط در مسائل جنسی یکی از اصول اساسی در تربیت جنسی و آموزش جنسی و در اخلاق جنسی و کل مسائل جنسی و نظام جنسی اسلام اصل احتیاط از روح حاکم بر روشهای تربیت جنسی و آموزش جنسی و اخلاق جنسی، اصل احتیاط این است که از مجموع روش‌ها در می‌اید که استاد اعرافی در جلد اول فقه تربیتی گفته‌اند که از مجموع روش‌ها می‌می شود اصول در آمد که بحث مفصلی است. این روش مختصر فقهی است.

سؤال: تربیت جنسی را تعریف کنید.

جواب: تربیت جنسی همان تعریف تربیت است بین تربیت و آموزش چه رابطه‌ای هست را قبلا گفته‌اند تربیت دگرسازی هست و رابطه‌اش با آموزش چند بخش گفته‌اند که تربیت دگرسازی و اخلاق خودسازی هست.

سؤال: رابطه‌اش با آموزش جنسی چیست؟

جواب: باز اقوال مختلف و صورتهای مختلفی هست نتیجه اینکه آنچه قول مختار استاد اعرافی هست این است که تربیت معنای عامی دارد که آموزش جنسی را هم شامل می‌شود در یکی از اصطلاحات هست که این است که آموزش در حوزه شناختی هست و تربیت در حوزه عاطفی و رفتاریز و کنشی هست که اقوال مختلف هست.

در تربیت جنسی و آموزش جنسی همان رابطه‌ها هست که به صور تمفصل بررسی شده است و رابطه‌اش با آموزش جنسی به همین شکل جریان دارد

آن در بحث کلیات بود که ما وارد آن نشدیم.

## آموزش جنسی

بحث آموزش جنسی مثلاً محتوای آموزش جنسی دوازده عامل است که یکی از آن آموزش جنسی است که الان کار می‌کنیم و آموزش جنسی به صورت خاص در حال بررسی است.

اشاره خواهیم کرد آموزش جنسی چیست و چه کارهایی می‌شود انجام داد و برخی از این روشهای تربیت جنسی در آموزش جنسی جریان دارد که خواهیم گفت و بعضی هم به صورت خاص جریان دارد.

وارد نتایج فقهی سومین روش تربیتی جنسی می‌شویم که اجازه خواهی هنگام ورود به اتاق اولیاء یک روش استیذان می‌گویند این هم روش مهمی هست که دوست داشتیم در این روش هم اشاره شد اگر بتوانیم وارد بشویم این روش را بررسی کنیم.

این روش هست که کودکان هنگام ورود به اتاق خلوت اولیاء یا افرادی که با آن‌ها مرتبط هستند اذن خواهی کنند و اجازه بگیرند و در را بزنند و اگر اجازه دادند وارد شوند و اگر اجازه ندادند وارد نشوند

این یکی از مهمترین محتواهای آموزش جنسی در دوران کودکی هست که مستفاد از آیه استیذان هست که ﴿**یا أَیُّهَا الَّذینَ آمَنُوا لِیَسْتَأْذِنْکُمُ الَّذینَ مَلَکَتْ أَیْمانُکُمْ وَ الَّذینَ لَمْ یَبْلُغُوا الْحُلُمَ مِنْکُمْ ثَلاثَ مَرَّاتٍ**﴾ آن‌ها که به سن بلوغ نرسیده‌اند اجازه بگیرند در چه زمان ﴿**مِنْ قَبْلِ صَلاةِ الْفَجْرِ**﴾ قبل از نماز فجر که صبح است ﴿**وَ حینَ تَضَعُونَ ثِیابَکُمْ مِنَ الظَّهیرَةِ**﴾ ظهر است که لباس راحتی می‌پوشید ﴿**وَ مِنْ بَعْدِ صَلاةِ الْعِشاءِ**﴾ بعد از صلات عشاء که وقت خواب است ﴿**ثَلاثُ عَوْراتٍ لَکُمْ**﴾ سه زمانی است که برای شما عورت است عورت یعنی چیزی که انسان ابا دارد نمی‌خواهد ببیند بعد می‌گوید ﴿**لَیْسَ عَلَیْکُمْ وَ لا عَلَیْهِمْ جُناحٌ بَعْدَهُنَّ**﴾ بعد از این اوقات خلوت نیست بعد در آیه بعدی می‌فرماید آن‌ها که به سن بلوغ می‌رسند مثل آن یکی‌ها استیذان می‌کنند و اجازه خواهی می‌کنند و مثل انهایی که بالغ هستند استیذان دارند

# نتایج فقهی

ذیل این آیه شریفه روایاتی هست که اینها را توصیف می‌کند

حکم شرعی که از این روش سوم از روایات ذیل این آیه می‌شود استفاده کرد این است که اجازه خواهی کودکان نابالغ و یاد دهی این استیذان از طرف اولیاء که گفتیم سیطره اولیاء چیست این مستحب است این دو امر مستحب است.

یعنی یکی از محتواهای آموزش جنسی که به کودکان می‌شود آموزش داد این است که استیذان داشته باشند.

آموزش جنسی که در غرب گاهی مطرح می‌شود الزاماً به این معنا نیست که آموزش بدهند مورد تایید دین ما هم نیست که می‌گویند به بچه‌ای که پنج یا شش سال دارد می‌گویند بچه چگونه متولد می‌شود یا رابطه پدر و مادر به چه شکلی هست بچه هم با آن فطرت پاک خجالت می‌کشید و آن‌ها خجالت نمی‌کشند.

آموزش جنسی به این معنا نیست که نوع رابطه والدین را به بچه آموزش بدهیم آموزش جنسی یک معنای عامی دارد که امور مربوط به امور جنسی یا امور شهوانی یا مربوط به جنسیت کودک بخواهیم آموزش بدهیم در این موارد جریان دارد که الان کار می‌کنیم که فعلاً در مرحله کودک هستیم.

یکی از موارد هم این است که آموزشهایی را به کودک بدهیم که جنبه پیشگیرانه داشته باشد یکی از ۲۹:۰۵؟ این استیذان است وقتی این آموزش را می‌دهید لازم نیست که دلیل هم گفته شود که مثلاً به خاطر چه چیز این کار را بکنید.

با عنوانهایی مثل عنوان ادب گفته بشود که این از ادب است که شما وقتی وارد اتاق والدین می‌خواهید بشوید در را بزنید اگر اجازه دادند وارد بشوید و اگر اجازه ندادند وارد نشوید با روشهای مختلفی مثل قصه یا در فضای مجازی یا در کلیپ‌ها یا اموزشهایی که در صدا و سیما می‌توانند در قالب کارتون یا در قالب فیلم این را جا بیندازند که بچه وقتی می‌خواهد وارد اتاق والدین بشود در می‌زند اذن می‌گیرد و اجازه می‌گیرد این به روشهای مختلف می‌شود آموزش داده بشود

این آموزش از طرف اولیاء مستحب است و از طرف دیگران از باب اعانه بر برّ این جریان دارد که می‌توانند مد نظر قرار بدهند که این آموزش را داشته باشند.

در مورد کودکان نابالغ گفتیم که این استحباب دارد و اجازه خواهی کودکان نابالغ هم استحباب دارد نمی‌شود گفت استحباب ندارد و ثواب بر آن مترتب نیست چون با امتنانی بودن ادله رفع قلم از صبی تعارض دارد و امتنانی بودن اقتضاء می‌کند که ثواب بر آن مترتب بشود.

از سوی دیگر لازمه‌های این آیه، لزوم تحفظ اولیا در خلوت این واجب است نمی‌توان گفت این مستحب است. اجازه خواهی مستحب است یاد دهی نمی‌تواند واجب باشد ولی لزوم تحفظ اولیاء جریان دارد و واجب هست اگر به هر دلیلی بچه اذن نخواست و این کار را عمل نکرد اولیاء باید احتیاط بیشتری به خرج بدهند و روایات متعددی در این زمینه هست.

استیذان از طرف فرزندان بالغ ادامه آیه به صراحت می‌گوید که واجب است آن‌ها هم بدانند.

# فروعات مسئله

تکلیف فرزندانی که به سن بلوغ نرسیده‌اند استحباب دارد

تکلیف اولیاء هم گفتیم که به چه شکلی هست.

مخصوص از ﴿**یا أَیُّهَا الَّذینَ آمَنُوا**﴾ که در آیه آمده است ﴿**یا أَیُّهَا الَّذینَ آمَنُوا لِیَسْتَأْذِنْکُمُ الَّذینَ مَلَکَتْ أَیْمانُکُمْ** ﴾ این خطاب عام اجتماعی به آن معنا هم نیست ولی خصوص والدین نیست بلکه کلیه افرادی که به نوعی با کودکان یا افرادی رفت و آمد دارند این می‌تواند حتی شامل اطرافیان نزدیک نباشد بلکه اطرافیان دور هم باشد مثلاً کودک همسایه تعامل دارد و رفت و آمد دارد بعضی در فضای مجازی مرتکب این حرمت می‌شوند که به طریق اولی جریان دارد این عام اجتماعی به آن معنا نیست یعنی با هر کودکی که با او تعامل دارید در آن‌ها جریان دارد و لزوم تحفظ نسبت به دیگران مطلق هست و آن عمومیت اجتماعی دارد.

لزوم تحفظ مطلق است ولی استحباب تعلیم استیذان بگوییم مطلق جریان دارد نمی‌شود گفت که ما هم مکلف باشیم به همه این را بگوییم اگر کسی بخواهد این را یاد بدهد از باب الحاق کردن اعانه بر برّ می‌توان گفت آن هم جریان دارد مثل نهادهایی که مرتبط هستند و می‌توانند این استیذان و این یاد دهی را داشته باشند.

استحباب استیذان توسط کودک مخصوص هنگام ورود به اتاق والدین خودشان نیست مثلاً به خانه یکی از اقوام یا همسایه رفته‌اند این استحباب جریان دارد و بعد از بلوغ هم استحباب جریان دارد

محدوده سنی تحفظ شامل قبل از تمییز هم می‌شود. می‌گویند این کودکی که یک مقدار فهم دارد تحفظ آن جا هم جریان دارد با وجوب و استحباب و قیودی که گفتیم اما استحباب استیذان برای کودک برای بعد از ادب آموزی است یعنی برای سنی است که این مورد را بتواند تمییز بدهد بتواند درک کند مثلاً هر چند با عناوین دیگر یعنی بتوانی به کودک یاد بدهی که هنگام ورود به اتاق خلوت اتاق والدین باید اذن بگیرد و در بزند آن مورد را هم شامل می‌شود

سؤال: آیا والدین هم هنگام ورود به اتاق بچه‌ها باید اذن بگیرند؟

جواب: از این دلیل بر نمی‌آید منت‌ها گاهی بچه می‌پرسد که شما چرا اجازه نمی‌گیرید یک قید دارد اگر یاد دهی شما به عنوان یک الگو منوط به این باشد که خودتان هم اجازه بگیرید آن از باب یاد دهی است و اگر نه بچه نباید بد آموز بشود این فیلم‌های ما این را القاء می‌کنند حتی در فیلم شمعدونی ملاحظه میکنید که یک ورود ممنوع زده است که یعنی پدر و مادرها اجازه ندارند وارد بشوند گاهی از آن سمت بد آموزی دارد

ولی اگر به عنوان روشی برای آموزش –آموزش استحباب دارد – برای آموزش این کار را انجام می‌دهید از آن به عنوان روش اخذ می‌کنید که بچه هم یاد بگیرد به فرض اینکه این روش شما بد اموزی نداشته باشد که یک اتاق خلوتی بچه احساس کند که برود آنجا و والدین بدون اذن وارد نمی‌شوند و حتی نوجوانان بتوانند آن اثر می‌گذارد و بچه آن اتاق خلوت را به عنوان یک خلوتی اخذ می‌کند که بتواند در فضای مجازی در بتواند به سایتهای غیر مجاز برود که اگر این اثر را داشته باشد مخصوصاً بعد از دوران بچگی که اثرش بیشتر نمایان می‌شود شما از این روش استفاده نکنید این روش جایی هست که اثر سویی نداشته باشد ولی بچه یاد بگیرد.

اگر بچه پرسید شما چرا اذن نمی‌گیرید می‌توانید منوط به خدا کنید منوط به ادب کنید که ادب این است که بچه اذن بگیرد مامان و بابا اگر اذن نگیرد اشکال ندارد می‌توانید به این شکل به بچه یاد بدهید.

# دخالت جنسیت در این احکام

چه جنسیت بزرگ سال و چه جنسیت کودک مثلاً این طور نیست که مثلاً مذکرها این استیذان را داشته باشند و مونث‌ها نداشته باشند جنسیت دخیل نیست

نتایج فقهی روشهایی که در تربیت جنسی وجود دارد را بیان می‌کنیم در اخر یک یا دو روش را به صورت فقهی برای آموزش که به چه صورت ورود و خروج فقهی به مسئله داشته باشید را بیان خواهیم کرد.

سه وقتی که ذکر شده است موضوعیت ندارد و کنایه از اوقات خلوت است اینطور نیست بعضی شاید اینگونه برداشت کنند که آیه اوقات خلوت را محدود به آن سه زمان کرده است بلکه این کنایه از اوقات خلوت است و هر زمانی که والدین بخواهند خلوت کنند اشکال ندارد و کراهت هم ندارد و بچه باید به شکل استحبابی قبل از بلوغ و وجوب بعد از بلوغ باید اذن بگیرد شاید یکی در قطب شمال و شبانه روز به این شکل سه وقت اصلا موضوعیت ندارد.

آیه دلالت بر محدود کردن اوقات خلوت ندارد نسبت به محرم و نامحرم شمول دارد و یک بحث نفسی و غیری بودن است که اگر این وجوب بود می‌توانستیم بگوییم وجوب غیری است به خاطر این است که آن خلوت اولیاء فاش نشود ولی اگر مستحب باشد استحباب نفسی است یعنی خود این کار هر چند اولیاء خلوت واقعی هم ندارند ولی خود این اذن گرفتن بچه استحباب دارد و خود یاددهی هم استحباب دارد و ثواب بر آن مترتب است هر چند اولیاء در آن اتاق خلوت هستند حتی شاید جدا از هم هستند یکی اینطرف اتاق خوابیده است و دیگری در آن طرف اتاق هست.

# پاسخ به سؤالات

سؤال کردند نیت اولیاء لازم است تا عمل مستحب لحاظ شود؟

جواب: در استحباب نیت دخیل است یعنی قربة الی الله یا می‌خواهند پیشگیری از فساد بچه‌ها باشد ترتیب ثواب مترتب است چون حسن فعلی و حسن فاعلی در بحث‌های فلسفی کلان تربیت هست

سؤال: آیا تربیت جنسی شامل تربیت جنسیتی هم می‌شود؟

جواب: جنسیت در معنای مصطلح، بعضی معنای دیگری می‌گویند ولی وارد بحث نمی‌شویم که جنسیت و جنسی رابطه‌شان چیست بحث مفصلی است ولی با فرض اینکه مذکر و مؤنث بودن است و قول مختار ما همین است شامل تربیت جنسیتی هم می‌شود این نمودش در آموزش جنسی و جنسیتی هست عموم اموزشهای جنسی بین دختر و پسر مشترک است در آموزش جنسی تفاوتهایی هست مصداق بارز آن در سن دختر و پسر هست اموزشهای خاصی که برای دختران مثلاً بهداشت جنسی ارائه می‌شود متفاوت با اموزشهای بهداشت جنسی پسران ارائه می‌شود

سؤال: امام سجاد علیه السلام در دعای ۲۵ درخواست پسر می‌کنند به خاطر ادامه نسل امامت هست؟

جواب: این بحث مفصلی است این که بگوییم استحباب دارد درخواست پسر کردن اتفاقاً ادله‌ای که به دختر اشاره دارد خیلی بیشتر دارد کسانی که دختر بچه دارند در آن حکومت جاهلی که برخی نسبت به دختر دید منفی داشته‌اند اسلام و آیات قرآن نسبت به جنسیت دختر تحسین‌هایی می‌کند که بیشتر است.